

عفاف و پاکدامنی





فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
اهمیت عفاف و پاکدامنی.....	۲
دو نفر الگوی عفاف در قرآن کریم.....	۳
امام رضا(ع) دختر را بغل نکرد.....	۵
کنترل نگاه از مهم ترین عوامل حفظ عفاف.....	۵
چشم ترس مرحوم قاضی.....	۹
چهل سال به خواهر زن نگاه نکرد!.....	۱۰
صحبت کردن با نامحرم.....	۱۳
مقدار حجاب اسلامی.....	۱۷
حجاب زنان در مقابل محارم.....	۱۹
تبیین حد پوشش مردان.....	۲۰
مثل این زن باشیم.....	۲۰
حجاب فاطمی.....	۲۳
سخنرانی حضرت فاطمه زهراء برای مردم مدینه.....	۲۵
حجاب مردم ایران.....	۲۹
در سال ۱۳۰۷ رضاخان طرح استعماری کشف حجاب را اجرا نمود.	
.....	۴۲
شیخ محمد تقی بافقی و بیرون کردن زن و دختر رضاخان را از حرم حضرت معصومه س بخاطر بی حجابی.....	
	۴۴

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
سید ناظم واعظ: آهای خانم‌ها یا خود را بیوشانید یا فوراً از این جا بروید.....	۴۶
آقای حاج شیخ! زن شاه بالای ایوان آئینه بی حجاب نشسته تکلیف چیست؟.....	۴۸
رفع حجاب مخصوصاً در حرم دختر پیغمبر(ص) حرام است.....	۴۹
شاه: من الآن قم می‌آیم، به رئیس شهربانی بگویید، آن سید و آن شیخ را دستگیر کنند.....	۵۲
شاه مثل برج زهر مار وارد قم و با چکمه وارد حرم شد.....	۵۳
شاه: آن سید و آن شیخ کجا هستند؟.....	۵۵
شیخ با دلی محکم و سرشار از اخلاص و ایمان رو در روی جلّاد ایستاد.....	۵۶
سرانجام جریان شیخ محمدتقی بافقی.....	۵۹
شهدا و سفارش به حجاب.....	۶۱
زینت و آرایش:.....	۶۵
شبیه کردن زن خود را به مردان:.....	۶۷
جوان و مدگرایی.....	۶۸
کانونهای فساد.....	۶۹
روش حضرت امام (رض) در مورد حدود ارتباط با نامحرم.....	۷۴
حجاب حق خداوند است:.....	۷۶
امر به معروف ونهی از منکر:.....	۷۸

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
نقش والدین و همسر در عفاف فرزندان.....	۷۹
بخاطر آرایش زن، شوهر عذاب می شود.....	۸۳
ازدواج عامل عفاف و پاکدامنی.....	۸۷
ازدواج روش اهل بیت(ع) بوده و مجرد زندگی کردن بدون علت	
خاص مردود و مذموم بوده است.....	۸۹
ترک ازدواج.....	۹۳
منابع.....	۹۴

مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند منان را و درود و صلوات بر محمد مصطفی و اهل بیت پاک و طاهرینش. عفاف و پاکدامنی از ارزشهای مهم انسانی است که جزو فطرت انسانها می باشد و آثار مثبت مهمی برای بشریت دارد و برای همین آثار مثبت هست که اسلام به عفاف و پاکدامنی فرمان داده و از روابط نامشروع و فحشا نهی کرده است. و در هر اجتماعی که عفاف و حیا حاکم باشد آن جامعه از آسیبهای فراوانی نجات پیدا کرده است. آسیب هایی چون بالارفتن آمار طلاق و تزلزل خانواده ها، بالارفتن آمار خودکشی و فرار فرزندان و روابط نامشروع و غیره... در این کتاب به اهمیت عفاف و همچنین توصیه های اسلام در مورد روابط با دیگران پرداخته ایم. امید است که همه پسران و دختران سرزمین ایران اسلامی با رعایت عفاف و حیا و پاکدامنی از آسیبهای ناپاکی و بی عفتی درامان بمانند.

اهمیت عفاف و پاکدامنی

خداوند در همه کتابهای آسمانی تاکید فراوانی بر مسئله حجاب و عفاف داشته و مخصوصاً در قرآن کریم تاکید فراوانی به رعایت عفاف زن و مرد کرده است و آیات متعددی در اهمیت این واجب الهی نازل شده و ائمه معصومین(ع) نیز عفاف مرد و زن را از جمله مسائل مهم دین بیان کرده‌اند حتی مراجع تقلید حجاب زن را جزو ضروریات دین می دانند و می گویند کسی که آن را انکار کند از اسلام خارج شده است.

علت اینکه قرآن و روایات و مراجع تقلید این همه روی عفاف تاکید دارند زیرا: عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه باز می دارد. حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضا و جوارح از هر گونه شهوت و گناه، عفاف است.

و این فضیلت با ارزش باعث کمال انسان است و خود از جلوه های بارز تقوای الهی است.

دو نفر الگوی عفاف در قرآن کریم

دو شخصیت، یک زن و یک مرد از قرآن به شما معرفی می شود که این شخصیت ها مظهر عفاف، حجاب، و حیا هستند. این ها چه کسی هستند؟ یکی یوسف (ع) است و یکی حضرت مریم (س) قرآن کریم هر دو شخصیت را ستوده است.

عفاف حضرت یوسف (ع)؛ می فرماید: یوسف (ع) وقتی در، اتاق در بسته، در برابر گناه قرار گرفت «وقد همت به» زلیخا دنبالش دوید «وهم بها» یوسف هم جوان هم زیبا و مجرد بود، طبیعتاً میل جنسی داشت، «لو لا آن رأی برهان ربه» لطف خدا و زمینه ای که در وجود خودش بود جلوی این میل جنسی اش را گرفت و خودش را نجات داد، این یک الگو است.

عفاف حضرت مریم (س)؛ ۱! لگوی دوم مریم (س) است. وقتی مریم (س) تنها نشسته است یک وقت دید مردی دارد

به طرفش می آید، قرآن این جا زبان بحث را عوض کرد،
 مریم(س) به آن مرد اهتمام نورزید، بلکه نهی از منکر کرد،
 امر به معروف کرد، گفت: «إني أعوذ بالرحمن منك» من از تو
 به خدا پناه می برم «إن كنت تقيا» اگر تقوا دارید، اگر پرهیز
 گارید. همان حرفی که یوسف دارد: «لو أن رأی برهان ربه» هر
 دو شخصیت مظهر عفاف هستند. در بعضی از روایات هست
 که وقتی قیامت می شود به بعضی ها که معصیت زنا یا
 فحشا یا بی بندو باری مرتکب شدند می گویند چرا این کار
 را کردید؟ می گویند: جوان بودیم، زیبا بودیم، می گویند
 یوسف را بیاورید ببین تو زیباتر هستی یا یوسف؟ از زنان گنه
 کار می پرسند: چرا خانم گناه کردی؟ می گویند: من جوان
 بودم، زن بودم، میل داشتم، می گویند: مریم را بیاورید
 پیش آن خانم، این مریم مادر حضرت عیسی است، ببین تو
 نسبت به او برتری داری یا او نسبت به تو؟

امام رضا(ع) دختر را بغل نکرد

آقا علی بن موسی الرضا(ع) نشسته بودند و دختر بچه ای وارد شد هر کسی دستی به سرش کشید- انسان به بچه کوچک عواطف شهوانی ندارد غالبا احساسی و عاطفی است- وقتی پیش امام رضا(ع) رسید، آقا فرمود: چند سالش است؟ گفتند: آقا، پنج سالش است. با دست اشاره کرد او را ببرند. بعد فرمود: دیگر بی حجاب در جمع نیاید.¹

کنترل نگاه از مهم ترین عوامل حفظ عفاف

اگر آدمی چشم خود را از حرام حفظ کند به موفقیت بزرگی در حفظ پاکدامنی و عفاف دست پیدا می کند. برای همین خدا طبق شان نزول زیر، به مردها و زنهای مومن دستور می دهد چشم خود را مواظب باشید!

¹. سخنرانی حجه الاسلام و المسلمین ناصر رفیعی

یکی از جوانان انصار با زنی از اهالی مدینه روبه رو شد در آن زمان، زنان مقنعه خود را پشت گوش می بستند. جوان به زن، که از رو به رو می آمد، آن قدر نگاه کرد که زن از مقابل او گذشت و رفت. جوان درحالی که هم چنان از پشت سر، آن زن را نگاه می کرد، وارد کوچه بنی فلان شد که ناگاه استخوان یا شیشه ای که در دیوار بود، صورت او را درید. وقتی زن رفت، ناگاه جوان متوجه شد که خون روی لباس و سینه اش ریخته است؛ با خود گفت: به خدا حتماً نزد رسول الله (ص) می روم و ماجرا را توضیح می دهم. جوان نزد پیامبر (ص) آمد. وقتی که رسول خدا (ص) او را دید پرسید: این چیست؟ جوان ماجرا را توضیح داد. جبرئیل در این هنگام بر پیامبر چنین خواند: «به مردان بگو که چشمان خویش را ببندند و شرمگاه خود را نگاه دارند، این برای شان پاکیزه تر است؛ زیرا خدا به کارهایی که می کنند آگاه است.»¹

(سوره نور، آیه 30)

¹. کلینی، اصول کافی، ج 5: 520

حضرت رسول (ص) در زمینه نگاه و حرمت آن می فرمایند: «از نگاه بعد از نگاه پرهیز؛ زیرا نگاه اول از آن توست و ناخواسته است، اما نگاه دوم به زیان توست و عمدی می باشد و نگاه سوم ویران گر است.»^۱ و «امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند: نگاه بعد از نگاه، بذر شهوت در دل می کارد و این خود برای به گناه کشاندن و به فتنه انداختن صاحبش کافی است.»^۲

حضرت رسول (ص) می فرمایند: «پیرامون نگاه حرام و تبعات آن هر که چشم خود را از حرام پرکند، خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش پر می کند، مگر این که توبه کند و از عمل خود دست بردارد.»^۳ نکته ی مهم آن است که پرهیز از نگاه به نامحرم و نگاه های حرام اگر چه در روایات بیشتر مربوط به مردان است ولی همان گونه که آیات شریفه نیز تصریح شد، پرهیز از نگاه خیانت کارانه و نگاه هوس آلود به

^۱ محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۳: ۳۲۵

^۲ همان

^۳ همان

نامحرم در مورد زنان نیز صدق می کند؛ از این رو حضرت رسول (ص) می فرمایند: «خشم خداوند سخت است بر زن شوهرداری که چشم خود را از غیرشوهر خود یا از کسی که محرم او نیست پرکند.»^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: سخت است غضب خدا بر زن شوهرداری که چشمش را از حرام پرکند^۲

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «کسی که عمداً به عورت دیگری (غیر همسر خود) نگاه کند خداوند او را در زمره منافقین قرار می دهد»^۳

در روایتی دیگر آمده: «کسی که عمداً به عورت دیگری (غیر همسر خود) نگاه کند هفتاد هزار ملک او را لعن خواهند کرد».^۱

^۱ همان

^۲ ارزش حجاب و عفاف

^۳ صدوق، من لایحضره الفقیه ج: ۴ ص: ۱۳

«پیامبر صلی الله علیه و آله : کسیکه به عورت دیگری نگاه کند، ملعون است»^۲

«پیامبر صلی الله علیه و آله: اگر از آسمان بیافتم و دو نیم شوم
برایم بهتر است که به عورت کسی نگاه کنم و یا کسی به
عورت من نگاه نماید»^(۱)

چشم ترس مرحوم قاضی

خود ایشان می گوید: «چون بیست سال تمام چشمم را
کنترل کرده بودم، چشم ترس برای من آمده بود، چنان که هر
وقت می خواست نامحرمی وارد شود از دو دقیقه قبل خود به
خود چشم هایم بسته می شد و خداوند به من منت گذاشت که
چشم من بی اختیار روی هم می آمد و آن مشقت از من رفته
بود.»^۳

^۱. وسائل الشیعه ج : 1 ص : 299

^۲. ارزش و اهمیت حجاب و عفاف

^۳. سید علی قاضی و شاگردانش

چهل سال به خواهر زن نگاه نکرد!

از مرحوم آیه الله رحیم ارباب استاد آیه الله بروجردی و استاد مرحوم نخودکی نقل شده که من با خواهر زنم در یک منزل بودیم به مدت چهل سال. یکبار به خواهر زنم نگاه نکردم.^۱

«روزی خاتم پیامبران (ص)، در جمع مسلمانان سؤال کرد: مرا خبر دهید که بهترین چیز برای زنان کدام است؟ [بسیاری از حاضران جواب‌هایی دادند که مورد تأیید قرار نگرفت تا اینکه حضرت زهرا علیهاالسلام عرض کردند: (خَيْرُ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ) بهترین چیز برای زنان آن است که مردی را نبینند و مردی هم آنان را نبیند. جواب صحیح فاطمه زهرا (س) پس از ناتوانی حاضران، چنان پیامبر (ص) را به وجد آورد که فرمود: فاطمه پاره تن من است.»^۲

^۱ خاطرات آیه الله عبدالخالق عبداللهی از شاگردان مرحوم آیه الله ارباب

^۲ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۲

در توضیح این حدیث می توانیم بگوییم که مراد حضرت فاطمه زهراء سلام الله عليها این نیست که زنها فقط خانه نشین باشند تا مبدا مردی نامحرم آنها را ببیند بلکه مراد دوری از اختلاط با نامحرم است. والا خود حضرت فاطمه زهراء سلام الله عليها یک شخصیت سیاسی بودند و برای مردم سخنرانی می کردند. یا در خانه انصار می رفتند و ولایت علی بن ابی طالب ع را یادآوری می کردند. حضرتش یک شخصیت اجتماعی بودند که در کارهای مختلف اجتماعی همانند رفتن به منزل شهدا و پرستاری از مجروحان جنگ و غیره مشارکت داشتند. در عروسی یهو دیان که حضرتش را دعوت کردند شرکت کردند.

حضرت زهرا نیز در نگهداری از دام و در کشاورزی مشارکت داشتند؛ ایشان در مدیریت فدک، مدیر نمونه کشاورزی بودند و با آن گستردگی فدک و باقی ملکهای پدرشان، به خوبی نیروهای متعددی را به کار بسته و آنها را مدیریت می کردند و از حاصل آنها به بسیاری از فقرا و مستمندان رسیدگی می کردند.

علاوه بر آن ایشان در عرصه‌های تبلیغ دین و تعلیم نیز حضور داشتند؛ زنان مختلفی در خانه پیامبر و حضرت زهرا و یا در مسجد جمع می‌شدند و ایشان به آنها آموزش احکام اسلام و معارف اسلامی می‌دادند؛ به گونه‌ای که پیامبر حتی برخی پرسشگران خود و به ویژه پرسشگران زن را به دختر خود ارجاع می‌دادند؛ بلکه حتی مردان را هم.

حضرت امام علی سلام الله علیه می‌فرمایند:

لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ، فَلَا تُعْطَوْهَا سُؤْلَهَا
فَتَشْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ^۱.

در بدن عضوی کم سپاس تر از چشم نیست.

پس، خواهش آن را برآورده نسازید که شما را از یاد خداوند عزّ و جلّ باز می‌دارد.

^۱. خصال، ج ۱۰، ص ۶۲۹.

آیت الله جاودان:

نقل است که، زلیخا به حضرت یوسف گفت: چه چشم های زیبایی داری.

حضرت یوسف فرمود: اول چیزی که در خانه قبر زمین می ریزد و نابود می شود این چشمها است

حاج شیخ عبد الکریم حائری:

آنقدر مراقب چشم خود بودم که حتی اگر در خواب هم نامحرم می دیدم در همان عالم رویاء هم چشمم را می بستم.

صحبت کردن با نامحرم

یکی از مهم ترین ابعاد حجاب است که در قرآن ذکر شده است که حتی لحن سخن گفتن زنان را در بُعد روانشناسانه مدّ نظر قرار داده است. حجاب در گفتار در آیات

شریفه ی قرآن کریم مؤکداً در مورد نحوه گفتار زنان به نامحرم است آنجا که می فرماید:

«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»

(سوره احزاب، آیه 32) «با خضوع در گفتار سخن نگوئید که بیمار دل طمع ورزد، بلکه شایسته و متعارف سخن گوئید.» مخاطب نخست آیه شریفه، زنان رسول خدا (ص) هستند و سپس تمام زنان مؤمن؛ علامه طباطبایی می نویسد: «معنای خضوع در کلام آن است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل او را دچار ریه و خیال های شیطانی نمود، شهوتش را برانگیزند و در نتیجه آن مردی که بیمار دل است به طمع بیفتد و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات حرام باز می دارد.»¹ 1 (۱) بنا به نظر شهید مطهری

¹. طباطبایی، المیزان - ذیل آیه 32 احزاب

«مسئله جو از استماع صدای زن جزء مسلمات است و دلیل آن سیره قطعی رسول خدا (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام است و دلیل دیگر آن سیره ی قطعی و رایج میان مسلمانان می باشد.»^۱

ایشان از مرحوم آیت الله طباطبایی یزدی در عروه الوثقی نقل می کنند که:

لأبأس صوت الاجنبیه مالم یکن تلذذ و لاریبه من غیر فوق بین الاعلی و البصیر و إن کان الاحوط التّرك فیغیر مقام الضروره و یحرم علیها اسماع الصوت الذی فیہ تهیج للسامع بتحسینہ و ترقیقہ.

قال تعالی:

«فَلَا تَخْصَنَ بِالْقَوْلِ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»

«شنیدن صدای زن در صورتی که تلذذ و ریه نباشد، جایز است ولی در عین حال مادامی که ضرورت نیست ترک آن بهتر

¹ مطهری، مساله حجاب

است و بر زن حرام است که بخواهد صوت خود را نازک کند و نیکو سازد، به طوری که تحریک آمیز باشد؛ چنان که خدای متعال در قرآن خطاب به زنان پیغمبر (ص) می فرماید: در حرف زدن صدا را نازک و مهیج نکنید که موجب طمع بیمار دلان گردد.^۱

با توجه میل زن و مرد به جنس مخالف، هرکجا که این دو تنها باشند، باعث تهییج غریزه جنسی شده و زمینه اعمال خلافی را فراهم می کند. پیغمبر اکرم (ص) فرمود:

«يَاكُم وَ مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُو رَجُلٌ بَاءَ مَرَأَةٍ لَيْسَ لَهَا مَحْرَمٌ إِلَّا هُمَّ بِهَا».

«پرهیزید از سخن گفتن با زنان! زیرا اگر مردی با زنی نامحرم (بدون حضور شخصی از محارم) خلوت کند، بطرف آن زن تحریک می شود و به او رغبت می کند».^۲

^۱ همان: 243 و 242

^۲ ارزش و اهمیت حجاب

حتی در احکام شرعی است که اگر در مسجدی فقط یک مرد و یک زن هستند، نباید آنجا نماز بخوانند زیرا خلوت با نامحرم ممنوع است.

این محدودیتها بمنزلهٔ ریاضت نیست بلکه همچون داروی تلخی است که بیماری را شفا می دهد.

مقدار حجاب اسلامی

در مورد حجاب واجب، کافی است که زن بدن خود را جز صورت و دست تا مچ به هر وسیله ای که می تواند بپوشاند و لباس خاصی شرط نیست ولی پوشیدن لباس های تنگ و چسبان و همچنین لباس های زینتی اشکال دارد؛^۱ منظور لباس هایی است که در عرف مردم آن را لباس زینت می خوانند. به تعبیر دیگر لباس زینتی چیزی است که زن ها برای زیبایی آن را می پوشند، و شبیه آرایشی است که در صورت خود انجام می دهند.

^۱ رساله توضیح المسائل آیه الله مکارم شیرازی (فارسی)؛ ص ۳۹۷

لذا پوشیدن لباس های مبتذل، یا لباس های تنگ و مهیج، یا مدل هایی که موجب ترویج فرهنگ غرب است، این گونه لباس ها به ویژه برای زنان، اشکال دارد، و بر پسران و دختران و مردان و زنان مسلمان لازم است رعایت موازین عفت اسلامی را، که مایه سعادت دنیا و آخرت آنهاست، بنمایند

همچنین پوشیدن جوراب های نازک، اگر پا در آن پیدا باشد جایز نیست پوشانیدن وجه و کفین لازم نیست، لیکن اگر نپوشاندن صورت و دست ها تا مچ، برای برخی از زنان در جامعه فسادى را به دنبال داشته باشد در این صورت پوشاندن آن واجب مى شود.

لازم به ذکر است اجبار همسر و یا دختران در پوشاندن دست ها و صورتشان جایز نیست؛ هم چنان که مرد نمی تواند زن را به پوشش خاصی مجبور کند، مگر این که حجاب اسلامی با آن پوشش مراعات نگردد لذا در حجاب اسلامی نوع لباس و رنگ آن تفاوت نمی کند بلکه واجب است پوشاندن تمام بدن غیر از صورت و دست ها تا مچ، ولی پوشیدن لباس های زینتی هر چند بدن آشکار نباشد جایز نیست و مانتو در صورتی که

تنگ و چسبان نباشد، و تمام بدن زن به جز گردی صورت و دست ها تا مچ را بپوشاند، حجاب اسلامی محسوب می شود

حجاب زنان در مقابل محارم

زنان و دختران می توانند در برابر محارم خویش سر و گردن و مقداری از سینه و دست ها و پاها را نپوشانند، اما بقیه بدن را باید بپوشانند. و جایز نیست به شکل نیمه عریان در مقابل آنها ظاهر شوند.

لازم به ذکر است گفته می شود که «استفاده از چادر مشکی مناسب نیست، بلکه کراهت دارد!؛ حال آنکه انتخاب چادر مشکی برای زنان مکروه نیست. و استفاده از رنگ های ساده دیگر، مادام که منشأ مفاسدی نشود، جایز است؛ البته رنگ های سنگین بهتر است.

از این رو برای حجاب اسلامی کافی است که تمام بدن را با لباس مناسب (بجز گردی صورت و دست ها تا مچ) بپوشانند؛ ولی بی شک، چادر حجاب برتر است.

تبیین حد پوشش مردان

مردان می توانند سر و گردن و مقداری از سینه و دست ها و پاها را در مقابل نامحرم نپوشانند، ولی بقیه بدن را باید بپوشانند. لذا استفاده از لباس آستین کوتاه برای مردان اشکالی ندارد مگر در مواردی که بدانیم مفاسد خاصی بر آن مترتب می شود. بدین ترتیب نگاه کردن به بدن مرد نامحرم به آن مقدار که معمولاً آن را نمی پوشانند مانند سر و صورت و گردن و مقداری از پاها و دست ها اشکال ندارد.¹

مثل این زن باشیم

حضرت آیت الله آقای سیستانی گفت: پدرم گفته بود دلم هوای امام زمان را کرد و لذا تصمیم گرفتم چهل نماز امام زمان در چهل مسجد بخوانم. می گوید هرچه خواندم تشرف حاصل نشد. نماز چهلیم را در مسجد چهلیم خواندم و کسی گفت: آقا امام زمان در این خانه است و می گویند بیا.

¹ <http://www.mehrnews.com/news/3711072>

می‌گویند رفتیم و خدمت آقا رسیدیم و آقا یک جمله به من گفتند که مثل این خانم باش، آنگاه می‌آیم. خانمی مرده بود و آقا امام زمان آمده بودند تا نمازش را بخوانند. آقا امام زمان فرموده بودند: این خانم هفت سال به خاطر چادرش از خانه بیرون نیامد. حال او مرده و من می‌خواهم نمازش را بخوانم. (در زمان کشف حجاب بوده است).¹

سلام

بنده یه پسر 4 ساله دارم، دیروز با هم سوار مترو شدیم. یه خانم بدحجاب شروع کرد بازی کردن با پسر، پسرم اخم کرد بهش گفت شما زشتی.

همه برگشتن سمت ما. خانم گفت چرا عزیزم؟ پسرم گفت برو اونور، خانم گفت چیکار کنم باهام دوست شی، گفت خوشگل شو!!!!

¹ <http://article.tebyan.net/289945>

همه واگن زوم کرده بودن روی ما، خودم تعجب کرده بودم، ولی چیزی نگفتم.

گفت: چیکار کنم خوشگل شم بلا؟!

پسرم گفت: مثل مامانم شو، لبخند رو لبای خانومه ماسید. یه نگاهی به من کرد، بهش لبخند زدم و گفتم شما از من زیباتری قطعاً اما فطرت بچه که پاکه اینطوری دوست داره! (به گردی صورتم اشاره کردم).

حواسم بود که چند نفر خودشونو جمع کردن، خانومه مصنوعی دستشو برد به شالش، پسرم گفت گوشوارتو بکن زیر روسریت.

باور نمیکنین چه جوی بود. آنقدر حیرت انگیز بود فضا که همه متعجب بودن. یه دختری اون طرف تر با لچ پیاده شد و گفت بچه هاشونم کردن گشت ارشاد، حال آدمو به هم میزنن. اما کسی دیگه چیزی نگفت. خانومه که خودشو جمع کرده بود به پسرم گفت حالا باهام دوست میشی؟!

پسرم به من گفت: مامان منو بشون روی پات این خانمه بشینه خسته نشه. خانمه دلش ضعف رفته بود نشست و نازش کرد. پسرم گفت: جا بهت دادم منو دعا کن. (بهش گفتم تو مترو و اتوبوس به هرکس جا بدیم برامون دعا میکنه، اینو به همه خانوما میگه...) خانمه گفت: تو باید برای من دعا کنی و بهش شکلات داد. فهمیدم حالش عوض شد، راستش خودم هم بغض کرده بودم.¹ ...

حجاب فاطمی

یکی از ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه زهرا ؑ سلام الله علیها، اهمیت فوق العاده ای است که برای حجاب وعفاف قائل می شدند.

آن چنان که گاهی سوالات عجیبی می پرسیدند مثلا از پدرشان پرسیدند که آیا در قیامت انسانهایی که محشور می شوند لباس برتن دارند؟ رسول خدا فرمود خیر. زیرا آنچنان

¹ <http://naye-ney-hijab.blogfa.com>

قیامت عظمت دارد که انسانها هر یک به فکر نجات خویش است و اصلاً توجهی به این مسائل ندارند. حضرت فاطمه ناراحت شد و فرمود وای از برهنگی در روز قیامت. من از خدا حیا می کنم. هنوز فاطمه س از منزل پدرش بیرون نرفته بود که پیک وحی آمد و گفت خدا سلام می رساند و می فرماید بخاطر رفع نگرانی فاطمه، من فاطمه را در حالی که دو لباس از نور برتن دارد محشور می کنم.

رو به اسماء- دوست با وفا و پر معرفت خود- کرد و فرمود: «یا اسماء! اذا انا مت فاغسلینی انت و علی بن ابی طالب و لا تدخلی علی احدا».

اسماء! آن هنگام که من از دنیا رفتم، تو و علی مرا غسل دهید و اجازه ورود هیچ کس را به کنار پیکر من ندهید.¹

یا اینکه از فضا درباره اینکه چکنم تا برجستگی بدنم بعد از مردن برای تشییع کنندگان ظاهر نباشد می پرسد و

¹. کشف الغمه، ج 2، ص 61؛

نگران بعد از مرگش است. هنگامی که یکی از بانوان چگونگی پنهان سازی بدن را زیر پارچه ای که بر آن چند قطعه چوب قرار دارد به آن حضرت نشان داد، پس از آن لحظه آرامش خاصی به آن انسان صالح خدایی، روی آورد.¹

حجاب فاطمی در هنگام سخنرانی حضرت فاطمه زهراء برای مردم مدینه

عبدالله بن حسن (نوه امام حسن مجتبی علیه السلام) از پدران خود نقل می کند، هنگامی که مسأله غصب فدک رخ داد، و این خبر به حضرت زهرا (علیها السلام) رسید، در این هنگام حضرت زهرا (علیها السلام) تصمیم گرفت به مسجد برود و در آن جا به عنوان حمایت از حق، سخنرانی کند، چگونگی حرکت حضرت زهرا (علیها السلام) در متن عبارت چنین آمده: حضرت زهرا (علیها السلام) روسری خود را بر سرش پیچید و عبای خود را (که روپوشی وسیع بود) به سر نمود، و میان

¹ بحار الانوار، ج 43، ص 20 تا 40

گروهی از یاران و زنان خویشاوندش (به سوی مسجد) حرکت کرد، آن حضرت هنگام راه رفتن (بر اثر شتاب یا بلندی لباس) به قسمت پایین لباسش پا می گذاشت (در نهایت پوشیدگی راه می رفت) شیوه راه رفتن او (در متانت و وقار) هم چون شیوه راه رفتن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، تا این که بر ابوبکر وارد شد، ابوبکر در میان ازدحام مسلمانان قرار گرفته بود، در این هنگام میان آن حضرت و مردم، پرده ای نصب شد، حضرت زهرا (علیها السلام) نشست، سپس ناله جانسوزی نمود که بر اثر آن، صدای همه حاضران به گریه بلند شد، به گونه ای که گویی از صدای گریه، مسجد به لرزه درآمد، سپس حضرت زهرا (علیها السلام) اندکی سکوت کرد، تا مردم آرام شدند، و جوش و خروششان بر اثر گریه، فرونشست، آن گاه خطبه را شروع کرد».¹

تجزیه و تحلیل عبارت فوق در این عبارت، در رابطه با حفظ حریم حجاب و عفاف در عین شرکت در یک صحنه

¹. احتجاج طبرسی

پرشور سیاسی و اجتماعی، شش نکته است که هر کدام از جهتی بیانگر اهمیت و عظمت مقام حجاب در سیره حضرت زهرا(علیهاالسلام) است، که به اختصار بدان اشاره می‌شود:

1- آن حضرت روسری خود را که به طور کامل سر و گردن و سینه‌اش را می‌پوشانید، بر سر گرفت، تعبیر واژه (پیچید) حاکی است که روسری به طور کامل و چسبان به سر و گردن گرفته شده بود، نه به طور سبک و وارفته که با اندکی تکان دادن از سر رد شود و موی سر آشکار گردد؛

2- حضرت زهرا(علیهاالسلام) علاوه بر آن روسری، لباس روی لباس‌هایش مانند عبا را بر سر و تن خود پوشانده بود.

3- لباسی که بر تنش بود به قدری بلند بود که در راه رفتن، گاهی قسمت پایین لباس زیر پای حضرت زهرا(علیهاالسلام) قرار می‌گرفت.

4- آن حضرت همانند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با متانت و وقار حرکت می کرد، یعنی هیچ گونه حرکات نامناسب و دور از نزاکت در حرکت او دیده نمی شد؛

5- علاوه بر این ها در مسجد پرده ای به احترام او نصب کردند، و آن حضرت در پشت آن پرده خطبه خواند. دوستان و زنان خویشانش، اطرافش را گرفته بودند.

6- به این ترتیب نتیجه می گیریم، حضرت زهرا (علیها السلام) در عین آن که در همایش پرشکوه و پر جنجال شرکت نمود، همه نمادهای حریم حجاب و عفاف را رعایت نموده است.¹

این را مقایسه کنیم با بی اهمیتی بعضی از زنان و دختران شیعه به حجابشان. چه در مقابل فامیل نامحرم مثلاً برادر شوهر یا پسرعمو و غیره. چه در مقابل افراد غریبه مانند مغازه دار و راننده ها و دیگران.

¹ <http://rasekhoon.net/article/show/184798>

اگر خانمی به حجابش اهمیت ندهد رشد نمی یابد. در درگاه الهی مقامی پیدا نمی کند. ملائکه به او کمک نمی کنند. نمی تواند مربی خوبی برای فرزندان باشد. آرامش روانی ندارد.

حجاب مردم ایران

تاریخچه پوشش در ایران نیز پیوندی عمیق با حجاب، به معنای پوشش کامل و زیبایی شناسی و زیبایی دوستی دارد. سرزمین ایران سرآمد زیبایی ها و ظرافتهاست، مردم ما حامل فرهنگی عمیق و ریشه دار، با آمیزه ای از دین و تاریخ هستند. تاریخی که در اقصا نقاط عالم ریشه دوانده است. هر اندازه فرهنگ و هنر یک سرزمین با بنیانهای اعتقادی و فکری و دیرپای ملتی مرتبط باشد، بر عمق عظمت حس زیبایی شناختی مردم آن سرزمین تاثیر می گذارد.

تجلیات پوشش و انتخاب نوع لباس و پوشاک در میان زنان ایران چنان چشمگیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده اند. یافته های پژوهشی نشان می دهد که زنان

ایران زمین از زمان مادها (که نخستین ساکنان آریایی ایران زمین بوده اند) حجاب کاملی شامل پیراهن بلندچین دار و شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند روی لباس ها، داشته اند. این حجاب در دوران سلسله های مختلف پارس ها نیز معمول بوده است. در زمان زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده اند.

برابر متون تاریخی، در همه آن زمان ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر رایج بوده است و زنان با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می کردند و هم پای مردان به کار می پرداختند. و این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط های فساد برانگیز همراه بوده است.

جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران زمین به گونه ای بوده است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایار شاه به ملکه «وشی» دستور داد که بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران زیبایی او را بنگرند،

وی امتناع کرد و برای این سرپیچی، به حکم داوران، عنوان «ملکه ایران» را از دست داد.

پارسی ها به وسیله کوروش، دولت ماد را از میان برداشته و سلسله هخامنشی را تأسیس کردند. آنها از نظر لباس و پوشاک همانند مادها بودند. در مورد پوشاک خاص زنان این دوره آمده است: «از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی برمیخوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. به زنان دیگر آن دوره نیز برمیخوریم که از پهلوی به اسب سوارند. اینان چادری مستطیل شکل، بر روی همه لباس خود افکنده و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری تا به میج پا نمایان است».

تصویر به جا مانده بر روی تخته سنگهای دوره هخامنشی نشان می دهد که شباهتی بین پوشاک زنان و مردان پارسی وجود داشته است. زنان پارسی به جز لباس شبیه آنچه ملکه می پوشیده، لباس دیگری نیز داشته اند،

پیراهن آنان پوششی ساده، بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه بوده که دامن از زانو به پایین شرابه‌هایی از میچ پا آویزان داشته، علاوه بر اینها زنان پارسی از چادر نیز استفاده می‌کردند، و آنرا بر روی تن خود می‌انداختند به طوری که تمام لباسهای زیر را می‌پوشانید. نقوشی که روی فرش پازیریک که در سیبری پیدا شده و آن را مربوط به ایران در دوران هخامنشی می‌دانند، این مطلب را تصدیق می‌کند زیرا زنانی که بر روی این فرش نقش کرده اند پوششی سر اندر پا چیزی شبیه چادر روی همه پوشاک خود داشته‌اند.

در این دوره نیز همانند گذشته، پوشش زنان ایرانی کامل بوده است. در این باره چنین می‌خوانیم: «پوشاک زنان اشکانی پیراهنی بلند روی زمین، گشاد، پرچین، آستین دار و یقه راست بوده است و پیراهن دیگری روی آن را می‌پوشانیده است. قد پیراهن دوم نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است و روی این دو پیراهن چادر به سر می‌کردند.» پیراهن‌ها از پارچه‌های منقش (مخصوصاً قلابدوزی شده) تهیه می‌

شده است. آنان کفش ساده دوران اشکانی را به پا می کردند و کمربندشان منحصر به نواری بوده که برای جمع کردن گشادی پیراهن در زیر سینه می بستند.

نقش برجسته پالیر در موزه لوور زنی از دوره اشکانی را نشان می دهد. این زن چادر به سر دارد و زیر آن عمامه اش به خوبی نمایان است. بر بالای پیشانی (پایین عمامه) فلزی پهن منقوش و برجسته چون نواری موهای جلوی سر را پوشانده و با وضع مطلوبی به عقب سر برده است.

در جای دیگر آمده است: چادر زنان اشکانی به رنگهای شاد و ارغوانی و یا سفید بوده است. گوشه چادر در زیر یک تخته فلزی بیضی منقوش یا دکمه که به وسیله زنجیری به گردن افکنده شده، بند است. این چادر به نحوی روی سر می افتاده که عمامه (نوعی کلاه زنانه) را در قسمت عقب و پهلوها می پوشانیده است.

در این دوره اردشیر دین زرتشت را دین رسمی کشور قرار داد. اوستا را ترجمه و آتشکده های ویران را بازسازی

نمود. زنان در این دوره همچنان دارای حجاب کامل بودند. در مورد پوشاک زنان این دوره چنین آمده است: «چادر که از دوره های پیش مورد استفاده بانوان ایران بوده است، در این دوره نیز به صور مختلف مورد استعمال داشته است».

از آنجا که زرتشت در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در ایران کمبودی نمی دیده است، با تأیید حدود و کیفیت حجاب رایج آن دوران، کوشید تا با پندهای، خود ریشه های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم نموده، عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد.

بررسی نقوش سنگی و طرحهایی از چندین بشقاب باستانی نشان می دهد که بانوان ساسانی پیراهنی بلند با آستین یا بدون آستین، پرچین و گشاد می پوشیده اند و آن را با نواری در زیر سینه مانند زنان اشکانی جمع می کردند، از طرز قلم زنی و چین سازی پیراهن و دامن پیداست که در انتهای دامن بر پشت پا، پارچه ای اضافه و پرچین به آن دوخته اند یقه پیراهن آنان اغلب گرد ولی یقه جلو باز تا

پایین تر از سینه نیز دیده می شود زنان ساسانی گاهی چادر گشاد و پرچین سر می کردند که تا ساق پا می رسیده است.

پنج دلیل توجه صفویان به آداب و رسوم و مذهب خاص ایرانی و مذهب اثنی عشری، رشته های گوناگون صنعت و هنر، پیشرفت شایانی داشته است، که در این میان پوشاک بانوان، با توجه به بافت خاص اجتماعی - مذهبی آن روزگار شکل خاصی به خود گرفت.

پیراهن ها، اغلب رنگارنگ و گلدار و زربفت ابریشمی بود و روی آن قبای جلو باز بلندی تا مچ پا به پا می کردند و کمربندی به کمر می بستند بصورتی که محکم روی کمر قرار نگیرد، کلاه کوچک، چارقد، شلوار پنبه دوزی شده، جوراب ساقه کوتاه پارچه ای از جمله پوشاک و لباسی بودند که در فصل زمستان مورد استفاده زنان قرار می گرفتند.

زنان هنگام بیرون رفتن از خانه چادر بزرگ سفید یا بنفش رنگی، به سر می کردند که تمامی بدن آنان را می

پوشاند و فقط جلوی صورت باز می ماند که بوسیله آن می توانستند پیش روی خود را ببینند.

در دوره نادرشاه افشار و خاندان او از تجملات لباس ها کاسته شد و جامه ها فرمی ساده تر به خود گرفتند. از خصوصیات جامه های این دوره کوتاه شدن دامن پیراهن ها (بلوز) و قبا بود و فرم شلوار (تنگ یا گشاد) و جنس و تزئینات آن اهمیت بیشتری پیدا کرد. پوشاک در دروه زندیه عموماً به این صورت بود که زنان پیراهن تنگی در بر می کردند که پارچه آن اغلب از نخ و ابریشم بود. یقه گرد (بدون یقه) که در وسط آن چاک بوسیله روبان یا دکمه در زیر گلو بسته می شد.

در مواقع احتیاج روی پیراهن، اغلب ارخالق (کت بلندی است که تا نصف بدن را می پوشاند) آستین سنبله یا کلیجه (کت بلندی که تا روی ران می رسید روی از خالق می پوشیدند) آستین کوتاه می پوشیدند.

زنان این دروه مانند مردان، شلوار گشاد و بلندی که از پارچه های راه راه که بطور مورب دوخته می شد به پا می کردند و روی آن دامن گشاد و نسبتاً بلندی می پوشیدند که تا وسط ساق پا می رسید.

زنان در این دوره روی سر خود توری یا پارچه زیبایی را بطور آزاد انداخته و با زیور وزینت، موهای خود را می آراستند. کفش آنها نعلین یا ساغری نوک برگشته بود که فقط اندکی از سر انگشتان پا در داخل آن قرار می گرفت. زنان هنگام خروج از منزل چادر سیاه یا بنفش یا نیلی تند به سر می کردند و روی خود را با روبنده، کاملاً می پوشانند.

پوشاک زنان در دروه قاجاریه شبیه لباسهای زندیه بوده و خیلی کم تغییر کرده است. پیراهن های چاک دار آستین بلند دوره قبل با دامنهای گشاد و پرچین بلند که لبه دامن را بوسیله یراق و گلابتون و... حاشیه داده تزیین می کردند، کمربندی طلا و نقره یا جواهر نشان به کمر می بستند.

پوشاک در این دوره مانند دوره زندیه تور و کلاhek زینت سر بوده و چادر نماز و چارقد هنوز معمول نشده بود.

مسافرت ناصرالدین شاه قاجار به فرهنگ و روسیه و دیدن لباسهای بالرینهای پترزبورگ که شلوار بافته چسبان و نازکی به پا می کردند و زیر جامه بسیار کوتاهی به اندازه یک وجب روی آن می پوشیدند، شاه را برآن داشته که زنهای حرمسرای خود را که لباسشان شامل: پیراهن، ارخالق، کلیجه، شلیته، شلوار، جوراب، چارقد و کلاغی بود، به این لباس درآورد.

ساختار طبیعی فلات ایران در طول اعصار تاریخی این مرز و بوم و مرکزیتی که به دلیل داشتن پل ارتباطی بین شرق و غرب عالم داشت باعث شد که این سرزمین سالیان سال در معرض یورش و تهاجمات اقوام و ملل گوناگون قرار گیرد. بدیهی است که این یورشها توسط اقوامی که دارای فرهنگ و اعتقادات ویژه خود بودند صورت می گرفت و شدیدترین فشارها را بر فرهنگ بومی و سنتی جامعه به وجود می آورد.

بدین گونه قوم ایرانی که از اعصار باستان اعتقاد به پوشیدگی و مستوری زن داشت و حتی خدایان و الهه‌های خود را در اوج پاکی و قداست می‌پرستید و با قبول دین اسلام و تأکید و تأیید این دین بیش از پیش بر پوشیدگی زنان دقت می‌کرد، تحت فشارهای گوناگون قرار گرفت: «هجوم مغول بعینه نمونه‌ای از این فشارها مبنی بر حضور زن بدون پوشش در مجامع عمومی بود که پس از قدرت گرفتن حکومت‌های شیعی مذهبی چون سربداران و صفویان متفی شد و زن ایرانی با پوشش همچنان به حضور خود در اجتماع می‌پرداخت».

بنابراین دوران قاجاریه به عنوان نخستین دوران رویارویی نزدیک با غرب حائز اهمیت است.

ایرانیان نخستین تجربیات تلخ شکست از غرب را در جنگ‌های ایران و روسیه آزمودند و به ناچار به تفوق نظام جنگی و علمی آنان آگاه شدند. بروز جنگ‌های ایران و روس، روابط ایران را که سالیان سال به دلیل جنگ‌های داخلی از اوضاع جهانی بی‌خبر بود گسترش داد و رفت و آمد

خارجیان فزونی گرفت. از سویی دیگر اعزام محصلین ایرانی به خارج از کشور به منظور کسب علوم و فنون جدید، ایرانیان را با سبک زندگی غربی آشنا کرد. همین رفت و آمدها به دربار و ارتباط خارجیان با ایرانیان در نوع پوشش مردان تأثیر گذاشت و کم کم استفاده از پیراهن و کفش چرمی معمول گشت.

تغییر پوشاک زنان اندرون نیز که پس از سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا آغاز شده بود، به تدریج از حرمسرای شاهی به خانه اعیان و سایر اقشار جامعه سرایت نمود. اما پوشش زنان در بیرون از خانه تا دوره مشروطیت و مدتی پس از آن به همان شکل سنتی (چادر، چاقچور و روبنده) بود.

تحولات سیاسی ایران پس از انقلاب مشروطه در جامعه زنان بی تأثیر نبود، به ویژه آنکه احزاب سیاسی و گروههای متعدد مسئله تعلیم و تربیت زنان و اصلاح وضعیت آنان را در رأس برنامه خود قرار داده بودند. آنان یکی از عوامل اصلی متمدن بودن را حضور زنان در عرصه اجتماع می دانستند و

مانع اصلی این حضور را در سبک و شیوه زیستی و سنتی جامعه و نوع پوشاک جست وجو می کردند. بنابراین به دنبال یک سری انتقادات نسبت به حضور زنان در اندرونی، خواستار حضور آنان در جامعه بودند. بدین منظور یک جریان پنهان اما مستمر با بیان آزادی زن از اسارت، بین تجددخواهان بروز کرد. اینان خواستار حضور زن در عرصه اجتماعی بودند و از وضع حجاب سخن به میان می آوردند.

ورود اجناس و البسه گوناگون اروپایی و حضور خیاطان و طراحان فرانسوی، و تقلید از آنها، کم کم، باعث تغییراتی مهم در وضع لباس و پوشاک ایرانیان و خصوصا زنان ایرانی شد. به این ترتیب که، از طول و عرض چادر کاسته شد و چاقچور و روبنده در میان جوانان، اکثرا از بین رفت و پیچه عمومیت یافت، شلوار کشی تبدیل به جوراب های ساقه بلند ماشینی شد، پیراهن و شلیته و شلوار و چادر کمری جای خود را به پیراهن های بلند یک تکه که بلندی آن بر حسب مد روز تغییر می کرد، دادند و به جای ارخالق و نیم تنه،

کت و ژلیت و بلوز به طرز دوخت اروپایی معمول شد و پارچه های زری و مخمل و تور، به کرپ و ساتن و کرپ دشین و ژرژت و.. تغییر یافت.¹

در سال 1307 رضاخان طرح استعماری کشف حجاب را اجرا نمود.

یکی از پلیدترین توطئه های دشمنان اسلام در تاریخ معاصر، توطئه ی کشف حجاب است. رضاخان- که با طرح کودتای سوم اسفند 1299 و با حمایت و هدایت انگلیسی ها بر سر کار آمد- در صدد اجرای تز اسلام زدائی و جایگزینی ارزش های لیبرالیستی در جامعه بود. از مهم ترین جلوه های این طرح، پدیده ی کشف حجاب بود. برای آماده ساختن زمینه ی کشف حجاب، مجلس، در ششم دی ماه 1307 قانون متحدالشکل نمودن البسه را تصویب کرد که بر اساس آن، پوشیدن کت و شلوار و کراوات و کلاه فرنگی، برای مردان الزامی شد. تلاش های رضاخان، باعث شد تا عده ای از

¹ <http://www.beytoote.com/art/city-country/apparel-people1-different.html>

زنان غرب‌زده، به‌ویژه زنان درباری و دولتمردان، به صورت بی‌حجاب یا بدحجاب، در مجامع و معابر عمومی ظاهر شوند و مردم نیز تحت تأثیر اختناق و ظلم رضاخانی، حساسیت لازم را از خود نشان ندادند. در سال 1313 رضاخان عازم ترکیه شد و با مشاهدی تغییراتی که رژیم لائیک ترکیه به رهبری مصطفی کمال آتاتورک در جهت غربی کردن جامعه‌ی مسلمان ترکیه اجرا کرده بود، تحت تأثیر قرار گرفت و شدیدتر از گذشته، در راستای اسلام‌زدائی و به ویژه حجاب‌زدائی گام برداشت. در بهمن 1313، در افتتاح دانشگاه تهران، به دختران دستور دادند که بدون حجاب به تحصیل مشغول شوند. اقدامات رضاخان در این جهت، واکنش و مخالفت‌های مردمی را به رهبری روحانیت باعث شد که از مهم‌ترین آن‌ها، می‌توان به سرکوب قیام مسجد گوهرشاد و کشتار مردم مظلوم اشاره کرد. حدود شش ماه پس از فاجعه‌ی مسجد گوهرشاد، رضاخان با بی‌اعتنائی به علما و مردم، در روز 17م دی 1314 در جشن فارغ التحصیلی دانشسرای مقدماتی دختران در تهران، مقررات کشف حجاب زنان را به طور آشکار و رسمی اعلام کرد و خود به اتفاق همسر و دخترانش - که بدون حجاب بودند - در

این جشن که به ابتکار علی اصغر حکمت، وزیر معارف و فراموسونر معروف تشکیل گردید، شرکت و سخنرانی کرد و دوره‌ای سیاه برای زنان ایران در تاریخ آغاز گردید.

شورای فرهنگ عمومی کشور، سالروز قیام مردم مشهد را علیه کشف حجاب، به عنوان روز عفاف و حجاب نام‌گذاری کرده است. قیام مردم مشهد و واقعه‌ی مسجد گوهرشاد در مقابله با کشف حجاب، مصداق بارز مبارزه با منکری است که هنوز متأسفانه آثار شومش در کشور ریشه کن نشده است. حمله‌ی قزاق‌های رضاخانی به مسجد گوهرشاد و مقاومت مردم مشهد نشان از پیشینه‌ی درخشان مردم خطه‌ی خورشید، در مقابله با تهاجم فرهنگ غرب محسوب می‌شود.

شیخ محمد تقی بافقی و بیرون کردن زن و دختر رضاخان را از حرم حضرت معصومه س بخاطر بی حجابی

آیت‌الله حسین نوری همدانی در کتاب «اسلام مجسم» صفحه 317 به شرح ماجرا ی بیرون کردن زن رضاخان از

حرم بخاطر بی حجابی، پرداخته است که بشرح زیر می باشد:

روز جمعه 27 رمضان 1346 قمری مطابق 1306 شمسی، ساعاتی پیش از تحویل سال 1307 شمسی، زوَّار بسیاری از نقاط مختلف، طبق معمول هر ساله به سوی شهر قم روی آورده بودند تا هنگام تحویل سال در کنار مرقد مطهر کریمه اهل بیت عصمت حضرت معصومه علیهاالسلام باشند.

به قدری جمعیت و ازدحام در صحن و حرم و رواقها بود که جای سوزن انداختن نبود، اعضای خانواده رضاخان از جمله، همسرش (مادر محمد رضا) به قم آمده و در غرفه بالای ایوان آئینه بدون حجاب (سر و صورت باز) نشسته بودند و این موضوع به طوری جلب نظر می کرد که صدای اعتراض مردم از هر سو بلند شد و بسیاری می گفتند: اگر از مردم شرم نمی کنند، دست کم از حضرت معصومه (س) شرم کنند و بالاخره، صدای اعتراض مردم کم کم اوج گرفت.

سید ناظم واعظ: آهای خانم‌ها یا خود را بپوشانید یا فوراً از این جا بروید

در این بین عده‌ای خود را به سید ناظم واعظ که از شاگردان حاج شیخ محمدتقی بافقی بود و برای ادای مراسم تحویل سال در بالای منبر نشسته و دقایقی قبل از تحویل سال مشغول دعا بود، رساندند و از پای منبر جریان بی‌حرمتی به حرم و به حجاب اسلامی را، برای او بیان کردند، سید ناظم بی‌درنگ مسأله را بر سر منبر برای مردم مطرح و لزوم مقابله با آن را گوشزد کرد و گفت: ای مردم! هم اکنون به من از یک وقاحت و بی‌شرمی خبر دادند که هیچ مسلمانی نمی‌تواند آن را تحمل کند.

در خانه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، در خانه خواهر امام رضا علیه‌السلام، در خانه پاره جگر موسی بن جعفر علیه‌السلام، در خانه فاطمه معصومه علیها‌السلام یک مشیت عیاش بی‌دین و از خدا بی‌خبر با سر باز و صورت بزرگ کرده و روی باز نشسته‌اند! در این آستانه، این جا که محل رفت و آمد فرشتگان الهی است، شاه و گدا در یک ردیف‌اند،

بلکه گدای با تقوا هزار بار بر شاه بی تقوا شرف دارد... می‌گویند، این زنان که این قدر بی‌توجهی و بی‌ادب و بی‌آبرویند، از تهران آمده‌اند و اهل و عیال رئیس حکومت‌اند.

ای وای بر مردمی که رئیس حکومت آنان چنین کسان باشند! اما بدانند که مردم اگر در برابر خوشگذرانی، بی‌دینی‌ها، چپاول‌ها، زورگویی و حیف میل‌های آنان از سر ناچاری دم بر نیاورند، این توهین را در خانه دختر پیغمبر(ص) بر نخواهند تافت، من از سوی مردم اخطار می‌کنم، من به نام قرآن، به نام اسلام، به نام سیدالشهدا (ع) که خون خود را پای دین محمد (ص) نهاد، اخطار می‌کنم و می‌گویم: آهای خانم‌ها! رفع حجاب حرام است، خصوصاً کنار مرقد مطهر دختر پیامبر (ص) یا خود را بپوشانید و یا فوراً از این جا بروید!

آقای حاج شیخ! زن شاه بالای ایوان آئینه بی حجاب
نشسته تکلیف چیست؟

بعد از فریاد و اخطار سید ناظم واعظ، صدای صلوات‌های
پیایی مردم به عنوان تصدیق بلند شد، عده‌ای، نزد حاج شیخ
محمد تقی بافقی شتافتند، او در مسجد بالاسر در حالی که
جمعیت در اطراف او موج می‌زد، مشغول خواندن دعای ندبه
بود، کاری که هر جمعه در همان مکان انجام می‌داد و آن
روز نیز چنان چه که گفتیم، جمعه 27 رمضان بود - حاج
شیخ با خضوع و تضرع کامل در حالی که قطرات اشک از
انتهای محاسن بلندش فرو می‌چکید، دعا را می‌خواند.

آن عده با دیدن حال خشوع حاج شیخ، چند لحظه
ایستادند و بالاخره یک نفر جلوتر رفت و گفت: جناب آقای
حاج شیخ! زن شاه آمده و با یک عده زن‌های همراهش توی
رواق بالای ایوان آئینه حرم نشسته و حجاب ندارند، ما از
حضرت معصومه (س) خجالت می‌کشیم! چه امر می‌فرماید؟
تکلیف ما چیست؟

رفع حجاب مخصوصاً در حرم دختر پیغمبر(ص) حرام است

حاج شیخ با شنیدن این کلام، دعای ندبه را قطع کرد و گفت: الله اکبر! الله اکبر، بدوید، بگویید، سید ناظم، فوری این جا بیاید، چند نفر به طرف مسجد مجاور حرم دویدند و دیگران در کنار حاج شیخ ایستادند که سید ناظم شاگرد برجسته حاج شیخ نفس زنان سر رسید و سلامی شتابزده کرد و گفت: چه امر می فرمایید؟، حاج شیخ فرمود: توی ایوان بروید و از آن جا با صدای بلند از طرف من بگویید: رفع حجاب حرام است، خاصه در حرم دختر پیغمبر(ص)، سید ناظم در اجرای فرمان و پیام حاج شیخ به طرف ایوان آینه دوید و با دست، انبوه مردم خشمگین را ساکت کرد و بعد با صدای خیلی بلند خطاب به زن شاه و زنان همراه او گفت: آهای خانم ها! حضرت آیت الله حاج شیخ محمدتقی بافقی که هم اکنون در مسجد بالا سر حرم تشریف دارند، مرا فرستادند تا به شما بگویم، رفع حجاب در اسلام حرام است و به خصوص در حرم مطهر حضرت معصومه

(س)، همسر شاه به همراهانش گفت: «اصلاً اعتنایی نکنید» و زیر لب ناسزا می‌گفت و بدون حجاب با بادبزنی چتری زیبای کوچکی، خودش را باد می‌زد.

سید چند بار دیگر پیام را تکرار کرد و چون هیچ اثری ندید، نزد حاج شیخ بازگشت و سر در بیخ گوش حاج شیخ نهاد و گفت: من پیام شما را رساندم، اما آن‌ها اعتنایی نکردند، حاج شیخ با شگفتی فریاد زد: لا اله الا الله! چقدر وقاحت، چقدر بی‌شرمی! و خود، به سوی ایوان آئینه راه افتاد.

حاج شیخ محمد تقی بافقی در حالی که جمعیت خشمگین با مشت‌های گره کرده در کنار او بودند و همه اعتراض سخت بلند بود، خود را به ایوان آئینه رسانید، وقتی حاج شیخ شروع به صحبت کرد، مردم هم به احترام او و هم برای این که صدای حاج شیخ به زن‌هایی که در غرفه بالای ایوان آئینه نشسته بودند، برسد، کاملاً سکوت کردند.

حاج شیخ با تمام قدرت و سطوت یک رهبر مسلمان
خروش برداشت و فریاد کشید: آهای خانم‌ها! حجاب
ضروری است، رفع حجاب در اسلام حرام است، مخصوصاً در
حرم دختر پیغمبر (ص)، اگر مسلمانی، حجاب را رعایت
کنید و اگر هم مسلمان نیستید به احترام حضرت معصومه
(س) این کار را نکنید!

مردم با فریادهای کوبنده صلوات و تایید، همه‌ای
عظیم به راه انداختند و عده‌ای به طرف غرفه‌ها مشت‌ها را
گره کردند و ناسزا گفتند و آماده شدند که بالا بروند و آن‌ها
را خود از آن جا بیرون کنند، زن شاه وقتی خشم مردم و
مشت‌های گره کرده آنان و موج حرکت جمعیت به طرف
غرفه را دید و اوضاع را کاملاً خطرناک یافت، در فکر چاره
افتاد، او دریافت که اگر بیشتر در غرفه بماند، مردم حتماً
هجوم می‌آورند، بنابراین، در حالی که سخت به خود
می‌پیچید، برخاست و همراه ندیمه‌هایش از غرفه بیرون رفت
و در اطاق پشت غرفه از انتظار ناپدید شد، مردم با شادمانی و
پیروزی صلوات فرستادند.

شاه: من الآن قم می‌آیم، به رئیس شهربانی بگویید،
آن سید و آن شیخ را دستگیر کنند

زن شاه پس از این جریان فوراً تولیت آستانه را خواست
و جریان را به او گفت، سپس از او خواست ترتیبی دهد که
او بتواند به شاه تلفن کند، تولیت دستور او را فوراً انجام داد
و وقتی ارتباط برقرار شد، در حالی که صدایش می‌لرزید و به
گریه هم افتاده بود، با شاه صحبت کرد: اعلیٰ حضرت! شما
زنده باشید و ملکه را چند شیخ بی‌زاکت بی‌آبرو کنند؟ شاه
پرسید: «چه شده؟ به جای گریه حرف بزن، ببینم چه شده
است؟»، زن شاه: «ما توی غرفه ایوان حرم نشسته بودیم، اول
یک سید و بعد یک شیخ پیرمرد آمدند و هر چه از دهانشان در
آمد به ما گفتند!»، شاه: «آخه برای چی؟»، زن شاه: «چه
می‌دانم گفتند، ما حجاب نداریم».

شاه: «پس، این توله سگ پدر سوخته، رئیس شهربانی قم
چه می‌خورد؟ چرا به او نگفتید»، زن شاه: چشمم روشن به
ملکه توهین کنند، شاه از جایشان تکان نخورد و رئیس

شهربانی بفرستد؟ دیگر کلاه اعلیٰ حضرت در هیچ جای مملکت پشم خواهد داشت؟ شاه: خیلی خوب، الآن به قم می‌آیم، به رئیس شهربانی بگویید تا من برسم آن سید و آن شیخ را دستگیر کنند.

شاه مثل برج زهر مار وارد قم و با چکمه وارد حرم شد

بعد از این که تحویل سال شد، همه جمعیتی که در حرم و اطراف آن اجتماع کرده بودند به خانه‌ها و یا مسافرخانه‌ها رفتند، حرم و صحن تقریباً خلوت شد، ولی آن‌ها که از تلفن زن شاه به شاه و این که شاه گفته بود، من الآن به قم می‌آیم، خبر داشتند، می‌دانستند که حوادثی در پیش هست و تقریباً سه ساعت از تلفن زدن شاه می‌گذشت که افراد دولتی؛ رئیس شهربانی، افسران، تولیت و خدمه آستانه مقدس معصومه (ع) با نگرانی و بی‌تابی در صحن مطهر نو، هر یک در جای خود به انتظار ایستادند، از در شمالی صحن تا حدود یک صد متر افراد پلیس مسلح به احترام ایستاده بودند و زن شاه و همراهانش هنوز در یکی از غرفه‌های پشت ایوان به انتظار شاه نشسته بودند. یکی دو

ساعت از شب نگذشته بود که اتومبیل‌های شاه و همراهانش غرش‌کنان مقابل در صحن آستانه ایستاد، اول اتومبیل شاه، پشت سرش اتومبیل تیمور تاش، سپهبد امیر احمدی و آجودان مخصوص و پشت سر آن‌ها چهار پنج «ریو» ارتشی مملو از سرباز مسلح، رئیس شهربانی جلو دوید و در اتومبیل شاه را باز کرد و خبردار ایستاد، شاه مثل برج زهر مار از ماشین بیرون آمد، شنل بلند روی دوش، چکمه به پا، با لباس نظامی و یک تعلیمی در دست...

صدای رئیس شهربانی با لحن مخصوص ارتشیان بلند
 برخاست: اعلی‌حضرت همایون رضاشاه کبیرا، گارد احترام که دو سوی در با تفنگ ایستاده بود، پیش‌فنگ کرد، شاه بی‌اعتنا به همه، در حالی که با تعلیمی به ساقه بلند چکمه‌هایش می‌کوبید، یک راست به طرف ایوان آئینه راه افتاد و با چکمه وارد ایوان و مدخل حرم شد، جایی که همسر و ندیمه‌ها اکنون در آن جا به خاطر استقبال از وی، ایستاده بودند. در این حال عده‌ای از افسران ارشد و نظامیان که به دنبال شاه به داخل صحن آمده بودند، به پاسبان‌ها دستور دادند: هر معممی را که در اطراف صحن ببینید،

بگیرند و بیاورند، آن‌ها هم جمعی از طلاب را که در گوشه و کنار پیدا کردند، کشان کشان به طرف ایوان آوردند، برای خوش آمد شاه و زنش جلو چشم آنان، آن‌ها را زیر باتوم و شلاق گرفتند و زدند، برخی را خود شاه نیز با تعلیمی و لگد می‌زد.

شاه: آن سید و آن شیخ کجا هستند؟

شاه، رئیس شهربانی را خواست و گفت: آن سید و آن شیخ ... کجا هستند؟ رئیس شهربانی مثل چوب خشک، دو پا را به هم کوبید و در طول این مدت که در حالت سلام نظامی ایستاده بود گفت: جان نثار، آن شیخ را گیر آورده است و اکنون همین جا در یکی از غرفه‌های صحن نو حاضر است، اما آن سید متأسفانه فرار کرده و هر چه گشتم، اثری از او پیدا نشد.

شاه با تعلیمی، محکم به دهان رئیس شهربانی کوبید، به طوری که یکی دو دندان او شکست و خون از دهانش راه افتاد و چند ضربه دیگر به کتف رئیس شهربانی کوبید و به

یکی از افسران عالی رتبه فرمان داد: درجه این توله سگ بی‌عرضه را بکن، بفرستش تهران! آن افسر جلو رفت و درجه‌های او را در حالی که او همان طور با سلام نظامی و در حال خبردار ایستاده بود، کند و به دو تا پاسبان اشاره کرد، آن‌ها جلو دویدند و بازوهایش را گرفتند و او را از صحنه و صحن بیرون بردند.

شیخ با دلی محکم و سرشار از اخلاص و ایمان رو در روی جلّاد ایستاد

شاه بعد از این که از مجازات رئیس شهربانی فارغ شد، با قیافه خشم آلود فریاد زد: آن شیخ پدر و ... را بیاورید، سپهبد احمدی و بعضی از افسران در صدد جستجو بر آمده، به مسجد بالاسر که عبادت‌گاه شیخ بود، آمدند و شیخ را دیدند که در آن جا نشسته است، جلو آمدند و دست‌های خود را روی سر او بلند کرده و فرمان دادند: «بی‌حرکت» و او را به طرف شاه بردند.

شیخ با قدم‌هایی محکم و دلی سرشار از اطمینان و اخلاص به طرف آن جلاد می‌رفت و از این که توفیق انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را در جای خود به دست آورده است، خوشحال بود و بالاخره، شیخ محمدتقی بافقی آمد و بدون هیچ تشویش و هراس روبروی شاه ایستاد، شاه: چرا به ملکه ایران توهین کردی؟، شیخ: توهین نبود امر به معروف بود.

شیخ محمدتقی محکم و قاطع، رو در روی شاه ایستاده بود و به چشم‌های شاه نگاه می‌کرد، شاه در منتهای درجه عصبانیت فریاد زد: شیخ... (از همان فحش‌های آبدار و مخصوص و منحصر به فرد خویش نثار شیخ کرد) و با تعلیمی و لگد به جان او افتاد و بعد با اشاره او، شیخ محمدتقی را دمر خوابانیدند و شاه با عصای ضخیم خود بر پشت او می‌نواخت و شیخ تنها می‌گفت: یا امام زمان یا امام زمان.

شیخ چون این قیام برای امر به معروف و نهی از منکر را از اثنای دعای ندبه چنان که گفته شد آغاز کرده بود، لذا این سرباز مجاهد امام عصر(عج) از آن ساعت تا این لحظه که

زیر چکمه و شلاق جلاد است، پیوسته به یاد آن حضرت است و برای جلب خشنودی او و احیای او همه این مصیبت ها را تحمل می کند و می گوید: یا امام زمان و یا امام زمان، خوشحال است که در راه او چوب می خورد.

بعد از کتک زدن های بسیار، شاه از حاج شیخ محمدتقی پرسید: چه کسی به تو گفت که به ملکه ایران توهین کنی؟ حاج شیخ در کمال اطمینان و قوت نفس گفت: توهین نبود و امر به معروف بود، من گفتم: بی حجابی در اسلام حرام است، خاصه در حرم مطهر دختر پیغمبر(ص) هنوز هم همین را می گویم.

شاه که به خیال خودش با توهین و کتک رضایت خاطر ملکه را حاصل کرده و زهر خود را نیز ریخته بود، راه افتاد و گفت: این شیخ را برای استنطاق با ما تهران بیاورید، آن سید را هم پیدا کنید و به تهران بفرستید.

مأمورین، شیخ محمدتقی را به تهران و از آن جا یکسره به زندان شهربانی بردند، ولی سید ناظم در همان گیر و دار

اول از میان جمعیت خارج شد و مأمورین نتوانستند او را پیدا کنند، بعدها، معلوم شد، به نجف اشرف رفته و در آن جا مشغول تحصیل شد تا بعد از شهریور 1320 به ایران مراجعت کرد.

سرانجام جریان شیخ محمدتقی بافقی

آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری با متانت و پیگیری دقیق از طریق علمای تهران عظمت مقام حاج شیخ محمدتقی بافقی را به حکومت وقت ابلاغ کرد و زمینه آسایش او را در زندان فراهم کرد، از جمله به پدر آیت‌الله سید محمود طالقانی پیام فرستاد که برای حاج شیخ مرتب از منزل خود غذا بفرستد، زیرا می‌دانست که حاج شیخ اهل خوردن غذای دولتی نیست و در نتیجه پیگیری آیت‌الله حائری، شیخ محمدتقی بافقی پس از حدود 6 ماه از زندان آزاد شد، اما کینه رضاخان بیش از آن بود که بگذارد حاج شیخ به قم باز گردد، پس او را به شهری تبعید کرد و او در آن شهر به تبلیغ معارف اسلامی و اقامه نماز جماعت و

تربیت افراد- مخصوصاً با زهد و ساده زیستی و اخلاصی که داشت- تا پایان عمر اشتغال داشت

(لازم به ذکر است که اگرچه رضاخان قلدر، آیه الله بافقی را بجرم نهی از منکر زندانی و تبعید کرد ولی آیه الله بافقی محبوب دلهای ازادگان قرار گرفت و بزرگان به دیدار ایشان می رفتند که این بیت هم در مورد دیدار با آیه الله بافقی در زمان تبعید در شهر ری فرمودند.

چه خوش بود که به یک کرشمه دو کار. زیارت شه
عبدالعظیم و دیدن یار.

که مراد از یار، همان آیه الله بافقی هستند.

ولی رضاخان قلدر در آخر کارش به جایی کشید که مامورین انگلیس او را سوار کشتی کردند و به جزیره موریس در افریقای جنوبی تبعید کردند و در نهایت ذلت و تنهایی و حسرت! مرد!).

شهدا و سفارش به حجاب

یکی از اهداف شهدای انقلاب اسلامی و شهدای دفاع مقدس و همه شهدای اسلام، حاکمیت فرهنگ عفاف و حجاب بر کشورمان می باشد. شهدا در وصیتنامه های خود به این مطلب اشاره کرده اند که به چند نمونه اشاره می شود.

«و تو ای خواهر دینی ام: چادر سیاهی که تو را احاطه کرده است ازخون سرخ من کوبنده تر است.» (شهید عبدالله محمودی)

«خواهرم: محبوب باش و باتقوا، که شماييد که دشمن را با چادرسیاهتان و تقوایتان می کشید.» «حجاب تو سنگر تو است، تو از داخل حجاب دشمن را می بینی و دشمن تو را نمی بیند.» (سردار شهید رحیم آنجفی)

«حفظ حجاب هم چون جهاد در راه خداست.» (شهید محمد کریم غفرانی)

«خواهرم: از بی حجابی است اگر عمر گل کم است نهفته
باش و همیشه گل باش.» (شهید حمید رضا نظام)

«از تمامی خواهرانم می خواهم که حجاب این لباس رزم
را حافظ باشند.» (شهید سید محمد تقی میرغفوریان)

«خواهرم: هم چون زینب باش و در سنگر حجابت به
اسلام خدمت کن.» (طلبه شهید محمد جواد نوبختی)

«یک دختر نجیب باید باحجاب باشد.» (شهید صادق مهدی
پور) «خواهرم: حجاب تو مشت محکمی بر دهان منافقین و
دشمنان اسلام می زند.» (شهید بهرام یادگاری)

«تو ای خواهرم... حجاب تو کوبنده تر از خون سرخ من
است.» (شهید ابوالفضل سنگ تراشان)

«به پهلوی شکسته فاطمه زهرا(س) قسمتان می دهم که،
حجاب را حجاب را، حجاب را، رعایت کنید.» (شهید حمید
رستمی)

«خواهر مسلمان: حجاب شما موجب حفظ نگاه برادران خواهد شد. برادر مسلمان: بی اعتنایی شما و حفظ نگاه شما موجب حجاب خواهران خواهد شد.» (شهید علی اصغر پور فرح آبادی)

«شما خواهرانم و مادرانم: حجاب شما جامعه را از فساد به سوی معنویت و صفا می کشاند.» (شهید علی رضائیان)

«از خواهران گرامی خواهشمندم که حجاب خود را حفظ کنند، زیرا که حجاب خون بهای شهیدان است.» (شهید علی روحی نجفی)

«مادرم... من با حجاب و عزت نفس و فداکاری شما رشد پیدا کردم.» (شهید غلامرضا عسگری)

«ای خواهرم: قبل از هر چیز استعمار از سیاهی چادر تو می ترسد تا سرخی خون من.» (شهید محمد حسن جعفرزاده)

«خواهرم: زینب گونه حجاب را که کوبنده تر از خون من است حفظ کن». (شهید محمد علی فرزانه)

«خواهران ما در حالی که چادر خود را محکم برگرفته اند و خود را هم چون فاطمه و زینب حفظ می کنند... هدف دار در جامعه حاضر شده اند.» (رییس جمهور شهید محمد علی رجایی)¹

از این وصیتنامه ها می توانیم نتیجه بگیریم که خانمهای باحجاب و باعفاف به توصیه شهدای عزیزمان عمل کردند و روح بزرگ شهدا از ایشان راضی است ولی خانمهای بد حجاب و ناپاک و بی بندوبار! به وصیت شهدای گرانقدر، دهن کجی کردند و می کنند و در قیامت باید پاسخگوی شهدا باشند!

¹.<http://www.bata.ir>

زینت و آرایش:

اگرچه خودآرایی غریزه طبیعی زن و مرد است ولی این غریزه در زن بیشتر است و دوست دارد که زیبایی او مورد توجه قرار گیرد. آثار این غریزه را می‌توان در آراستن لباس، آرایش مو، انتخاب لباسهای نازک و رنگهای مهیج و غیره مشاهده نمود.

از نظر اسلام زینت و تجمل زن باید فقط برای شوهرش و مردهایی که با او محرم هستند، باشد.

زن در مقابل شوهرش می‌تواند زیباترین لباس و غلیظ ترین آرایش را بکار برد و هردفعه از نوعی زینت و خودنمایی استفاده نماید. و... و در این راه محدودیتی وجود ندارد و اما آرایش و زینت در مقابل نامحرم، برای او حرام و ممنوع می‌باشد حتی اگر آرایش ملایم باشد.

در حدیث نبوی است که در معراج وقتی پیغمبر(ص) از جهنم دیدار کرد، افرادی را دید که معذبند از جمله فرمود:

«زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد. از جبرئیل درباره او سؤال کردم. فرمود: او در دنیا خود را برای دیگران آرایش می نموده است. زنی را دیدم که گوشت بدنش را می برد! فرمود: او زنی بود که خود را به مردان عرضه می کرد.»^۱

همچنین در روایات از اینکه زن عطر زده از خانه خارج شود، منع شده است از جمله پیغمبر اکرم (ص) فرمود:

«هر زنی که عطر بزند و از خانه خارج بشود، تا زمانی که برگردد در لعن ملائکه خواهد بود.»^۲

^۱. عیون أخبار الرضا طبع سنگی، ص 213 و 214

^۲. کلینی، کافی، تهران، اسلامیه، 1363 ش، ج 5، ص 518 - 519

شبیه کردن زن خود را به مردان:

پوشیدن لباسهای مردانه به تهییج قوای جنسی زن و مرد کمک می‌کند. زن شایسته است در برابر مردان و پسران (غیر از شوهر) لباسهایی بپوشد که برجستگیهای بدن او را بپوشاند.

حال اگر زنی لباسهای مردانه بپوشد، آنوقت چشمهای زیادی را بطرف خود جلب می‌کند و باعث فتنه‌های زیادی می‌شود. بطوری که گاهی بعضی از محارم مثل برادر و دایی و غیره را تحت تأثیر خود قرار داده باعث روابط نامشروع درون خانوادگی و برون خانوادگی می‌شود. همان‌گونه که در کشورهای غربی، گاهی اخباری اعلام می‌شود که از ناحیه پدر و مادر و بقیه محارم، ارتباطات نامشروع با فرزندان برقرار کرده‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُجَمَّرَ ثَوْبُهَا إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا؛

شایسته نیست که زن مسلمان، آن‌گاه که از خانه خویش بیرون می‌رود، لباس خود را وسیله جلب توجه دیگران نماید¹.

جوان و مدگرایی

شاید شما هم با این مساله روبرو شده‌اید که وقتی بعضی از جوانان به دلیل پوشیدن لباس‌های غیرمعمول و یا اصلاح و آرایش خاص موی سر و صورت و انجام دادن برخی رفتارهایی که با فرهنگ و رسوم اجتماعی ما همخوانی ندارد مورد اعتراض قرار می‌گیرند، عمل خود را به عنوان مد و مدگرایی توجیه می‌کنند.

جای شگفتی است که نه تنها برخی افراد به محض شنیدن چنین پاسخی قانع می‌شوند و از پی‌گیری موضوع خودداری می‌کنند، بلکه در مواردی هم مشاهده می‌شود که عده‌ای از آنان، بدون توجه به آثار و پیامد این قبیل رفتارها،

¹. کافی: ج 5، ص 519، ح 3

درصدند که خود نیز از آن شیوه تبعیت کنند. روشن است که این قبیل تقلیدهای کورکورانه در موارد بسیاری، برای فرد و جامعه گرفتاری‌ها و مشکلات زیاد فرهنگی و اقتصادی ایجاد می‌کند. به گونه‌ای که در نتیجه بی‌توجهی به این مساله، گاهی اساس نظام اعتقادی و کیان نظام اجتماعی جامعه دچار خطر و انحراف می‌شود و به موازات سست‌شدن بنیان‌های اجتماعی، زمینه تسلط فرهنگی و به دنبال آن، تسلط سیاسی استعمارگران فراهم می‌شود.

کانونهای فساد

جشن‌ها و مهمانی‌های آلوده از مقدمات ارتباطات نامشروع است. مخصوصا در میان بعضی هنرمندان و ورزشکاران که به بهانه‌های موفقیت آنها در فلان بازی، مجالس مختلط بر پا می‌شود و این افراد هم چون بنیه مذهبی شان ضعیف بوده و ارتباطشان با مسجد و نماز و معنویات کم است، زودتر بدام افراد منحرف می‌افتند. همانگونه در خبرها بود که چندین نفر از اعضای تیم ملی

فوتبال و بعضی از هنرپیشگان مشهور و بعضی از هنرمندان سیما، در محافل فساد دستگیر شدند.

باغ‌ها و ویلاهای اجاره‌ای هستند؛ جوان‌ها می‌توانند جمع شوند، هر کدام سهم خود را بدهند و یک مهمانی پرشور شبانه برگزار کنند با رقص نور، موسیقی و دیگر مخلفات. مصرف مواد مخدر و توهم‌زا در این مراسم‌ها به امری طبیعی تبدیل شده است بعضی از افراد آنقدر از روانگردها مصرف می‌کنند که به کما رفته و سپس می‌میرند و یا به خود و افراد موجود در مهمانی آسیب‌های فیزیکی وارد می‌کنند. مهمانی‌هایی که گاهی کشته هم می‌دهد. جوانی قرص‌های هیجان برانگیز استفاده می‌کند و از پنجره‌ای خود را به پایین پرتاب می‌کند. پلیس معمولاً به چنین محل‌هایی می‌آید و مهمانی را برهم می‌زند و چند جوانی را با خود می‌برد. بعد پدر و مادرها می‌آیند، تعهد می‌دهند و بچه‌اشان را از بازداشتگاه می‌برند.

سال‌هاست که پارتی‌های شبانه در کشور ما برگزار می‌شود، این مهمانی‌ها روز به روز شکل بدتری به خود

می‌گیرد. همین چند وقت پیش عکس‌هایی در فضای مجازی منتشر شد که مهمانی‌های مختلطی را نشان می‌داد که در کنار استخر برگزار می‌شود.

روند رو به رشد مهمانی‌های مختلط در حال حاضر نگرانی‌هایی را به وجود آورده و این مهمانی‌ها هر روز با نام و شکل‌های وقیح‌تر و تازه‌تری برپا می‌شود؛ این مهمانی‌ها که برگرفته از تفکرات غربی است با اسامی مختلفی مانند "اکس پارتی"، "پارتی باکلاس"، "استخر پارتی"، "کالباس پارتی"، "جواد پارتی" و... برگزار می‌شود.

به هر حال چند سالی هست که شاهد افزایش این گونه مهمانی‌ها در شهرهای کوچک نیز هستیم. رشد قارچ‌گونه این مهمانی‌ها در حقیقت ریشه در نبود تربیت درست در خانواده‌ها دارد.

متأسفانه در حال حاضر مسائل فرهنگی در جامعه و خانواده‌ها به حاشیه تبدیل شده و نظارت کم و همچنین نبود امکانات تفریحی مناسب باعث شده که بسیاری از

کودکان و نوجوانان نیازهای خود را از مجاری خلاف و غیر مجاز تأمین و برآورده نمایند.

در حال حاضر وجود باغ های حاشیه شهرها که پنهان از نظارت نیروهای انتظامی هستند مکان امنی برای برگزاری اینگونه مجالس شده است. پس والدین باید مواظب فرزندان خود باشند و امکانات تفریحی سالم را فراهم نمایند.

البته درحالت کلی کسی با مهمانی و خوش گذرانی مخالف نیست اما نوع تفریح و خوش گذرانی مهم است.

همانطور که جسم انسان نیازها و احتیاجات گوناگونی هم چون غذا خوردن دارد، روح و روان انسان نیز نیازمندی هایی دارد. تفریح و شادابی غذای روح آدمی است که موجب فرح و انبساط خاطر و آرامش روانی می شود.

امام علی - علیه السلام - می فرماید: «شادمانی و سرور، موجب انبساط روحی می شود و وجد و نشاط آدمی را بر می انگیزاند».

اما اگر تفریحات و لذت جویی ها ناسالم و از مسیرهای غیر طبیعی و انحرافی باشند، نه تنها انسان به آرامش و لذت مطلوب و واقعی خود دست نمی یابد، بلکه باعث انحراف و به ابتذال شود.

با ابراز تاسف باید گفت در این میهمانی ها شاهد حضور بازیگران معرف، دانشجویان و فوتبالیست ها هستیم. وجود این افراد بیشتر ذهن افکار عمومی را به سمت و سوی می کشاند که این افراد چرا باید به عنوان یک الگو در جامعه در چنین مهمانی هایی شرکت کنند.

تابو شکنی از جانب دختران و پسران یکی از جنبه های اصلی این پارتی ها است. در پایان باید به این نکته اشاره کرد که در این رابطه نباید فقط از نیروی انتظامی انتظار داشته باشیم تا با این ناهنجاری ها برخورد کند چرا که این دستگاه به تنهایی نمی تواند این معطل را ریشه کن کند بلکه دستگاه های فرهنگی کشور نیز باید در این زمینه فعال شوند.

افرادی که می‌خواهند پاک زندگی کنند نباید به این مجالس بروند و باید پای خود را بر این محافل ببندند و شرکت در این کانونها را بر خود حرام نمایند تا از آثار مخرب آن و عواقب بعدیش دور بمانند.

روش حضرت امام (رض) در مورد حدود ارتباط با نامحرم

«از مسائلی که حضرت امام بیشتر به آن توجه داشتند، محدود بودن ارتباط بین زن و مرد بود. یادم هست ده سال بیشتر نداشتم و با برادرها و پسرخاله ام قایم باشک بازی می کردیم. حجاب هم داشتیم؛ اما یک روز امام مرا صدا کردند و گفتند: شما هیچ تفاوتی با خواهرتان ندارید؛ مگر او با پسرها بازی می کند که شما با پسرها بازی می کنید؟» (عاطفه اشراقی، نوه امام)¹

¹ برداشتهایی از سیره امام خمینی قدس سره، ج 1، ص 46

«امام در ارتباط با نامحرم خیلی سخت گیرند. الان پسرهای من و حاج احمد آقا 15، 16 ساله اند و اگر یک روز ما برای ناهار به منزل آقا دعوت شویم، پسرها حق آمدن ندارند و یا اگر هم بیایند، مثلاً ما خانه خانم می نشینیم و سفره می اندازیم و آنها منزل احمد آقا؛ آن هم برای اینکه پسرها و دخترهای اهل فامیل و خانه با هم غذا نخورند. نه فقط سر سفره، بلکه حتی به همدیگر سلام هم نکنند؛ چون واجب نیست، به هر حال آقا این نوع مهمانی رفتن خانمها و آقایان نامحرم و با هم دور سفره نشستن را حرام می دانند» (زهره مصطفوی)¹

«من 15 ساله بودم که مرحوم آقای اشراقی داماد ما شده بودند. یک روز ما منزل ایشان دعوت داشتیم. همین جور که من و امام با هم وارد شدیم، دیدم آقای اشراقی دارند به استقبال می آیند؛ ما در یک باغچه ای داشتیم حرکت می کردیم. من به امام گفتم: سلام بکنم آقا؟ گفتند: واجب نیست.

¹. همان

من هم رویم نشد که سلام نکنم و از داخل باغچه رد شدم که با آقای اشراقی روبه رو نشوم!» (زهره مصطفوی)^۱

«امام مقید بودند که ما از بچگی حجاب شرعی مان را حفظ کنیم. در منزل، حق انجام هیچ گونه معاصی، از جمله غیبت، دروغ، بی احترامی به بزرگتر، و توهین به مسلمانان را نداشتیم. خصوصا روی معصیت توهین به مسلمان، حساسیت زیادی داشتند.» (فریده مصطفوی)^۲

حجاب حق خداوند است:

از آنجا که حکم الهی برای سعادت بشر وضع می شود و خداوند متعال، رحمت را بر خویش واجب می داند و احکام الهی همان رحمت های خداوندی بر بندگان و یا مقدمه ای برای قرار گرفتن در دامن رحمت خدا هستند، پس حجاب حق خدا بر بندگان او می باشد البته نه به این معنا که در

^۱.همان

^۲.همان

کنار حق بندگان، حقّی را هم برای خدا تصور کنیم که او خالق همه چیز است و نقصی ندارد تا با ادای حقّ او، کامل گردد. اما اینکه آیا می توان حقّ خدا را ادا کرد یا نه. در روایاتی با اشاره به انجام وظایف و اطاعت از امر الهی برای ادا شدن این حق اشاره شده است. آیت الله جوادی آملی معتقد است که: (حجاب زن مربوط به خود او نیست تا گفته شود از حق خود صرف نظر کردم. حجاب زن مربوط به مرد نیست تا بگوید من راضی به بی حجابی هستم حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضای خانواده اعم از همسر، برادر، فرزند و... راضی به بی حجابی باشند، قرآن مجید راضی نخواهد بود زیرا زن و حیثیت او حق خدا است و خدا زن را مظهر احساس و عاطفه آفرید نه مظهر بی عفتی و شهوترانی.¹ وقتی حقّ خداوند با حجاب اداء نشود یعنی بنده ی خدا که آرامش و امنیت جسمی و روحی و روانی در خانواده و اجتماع است اداء نمی شود.)

¹ طیبی، ناهید، عطر عفاف، با همکاری واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهرا (س)، قم، انتشارات جامعه الزهرا، گلبرگ چاپ اول، 1386

امر به معروف ونهی از منکر:

یکی از عوامل اجتماعی مؤثر در امر حجاب، امر به معروف و نهی از منکر است. اگر بپذیریم که افراد جامعه، همانند اعضای یک بدن می باشند هنگامی که فردی دچار بیماری روحی، روانی و اخلاقی شود، بر عموم مردم لازم است که در جهت نجات وی تلاش کنند تا رنج و عذاب این بیماری، گریبانگیر دیگر اعضای جامعه نشود و عامل بیماری به آنها سرایت نکند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: اگر شخصی در نهان، معصیتی مرتکب شود فقط به شخص او ضرر وارد می شود و اگر در ملأعام گناهی را انجام دهد و دیگران او را نهی از منکر نکنند همه ی مردم زیان می بینند. و باز فرمودند: «چگونه بر شما می گذرد زمانی که زنانان فاسد و آلوده شوند و جوانان به طرف فسق و فجور روی آوردند و این هنگامی است که شما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید. سؤال شد: یا رسول الله! آیا چنین وضعی پیش خواهد آمد؟ حضرت فرمود: بلی؛ بلکه بدتر از آن هم خواهد شد و آن زمانی است که معروف را منکر و منکر را معروف می دانند.» اگر خانواده،

این واحدهای کوچک اجتماع، از مفاسد اخلاقی اصلاح گردد، کلّ جامعه اصلاح خواهد شد و به تبع آن جامعه ای آرام و با امنیت خواهیم داشت.¹

نقش والدین و همسر در عفاف فرزندان

اگر والدین خود عفاف داشته باشند و در تربیت فرزندان به اینکه با عفاف بار بیایند اهمیت بدهند حتماً فرزند آن هم پاکدامن تربیت می شوند. و نمونه بارز آن هزاران پسر و دختر پاکدامن است که در خانواده های عفیف تربیت شدند و از گناه و فحشا متنفر و بیزار هستند.

اما اینکه پیامبر عزیز ما فرمود از گلهای لجنزار بپرهیزید! یعنی فرزندی که در خانواده آلوده بزرگ شده.

¹. اکبری، محمد، مروارید عفاف، قم، مؤسسه انتشاراتی ظفر چاپ سوم،

به مساله تربیت اشاره فرموده اند چون این دختر در خانواده بد تربیت شده احتمال اینکه این دختر عفيف باشد کم است.

همچنين نقش شوهر در حفظ عفاف همسر خيلي مهم است. شوهر بايد غيرت داشته باشد. و اگرديد زني متاهل آرايش کرده و بدحجاب بيرون آمده يکي از عواملش شوهر اوست که غيرت نداشته است.

حضرت اميرالمؤمنين(ع) به مردم عراق فرمود: «شنیده ام که زنان شما در راه ها و بازارها با مردان نامحرم به گفتگو می پردازند و شانه به شانه يکديگر راه می روند! آيا حيا نمی کنيد!»¹

مردان بايد نسبت به دختر و بانوان خود غيرت داشته باشند.

¹ ملا احمد نراقی، معراج السعاده، انتشارات دهقان، تهران، ۱۳۷۹ ه ش، ص ۱۶۳

«واژه غیرت به فتح "غین و را" در لغت به معنی حمیت و غضب^۱. ناموس پرستی و رشک بردن است و به انسان بسیار غیرتمند و ناموسپرست "غیور" میگویند»^۲

نقل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرد مشرکی را به خاطر غیرت ورزی اش، از کشته شدن نجات می دهد و او را می ستاید. امام صادق علیه السلام در این باره روایت می کند:

اسیرانی را به محضر پیامبر آوردند، پیامبر فرمود: «جز یک نفر، بقیه را گردن زنند». آن مرد (نجات یافته) گفت: چرا مرا از قتل رها کردی؟ پیامبر فرمود: «خداوند با پیک وحی اش به من خبر داد که در تو پنج ویژگی وجود دارد که آنها را خداوند و رسولش دوست می دارند؛ یکی از آنها غیرت و نگهبانی از ناموس است».

^۱. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۱۰، ص ۱۵۶ و ۳۴۸

^۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، اول ۱۳۶۳، ص

علی ع درباره مردانی که زنانشان در بیرون منزل به صورت زندهای با مردان اختلاط داشتند فرمود: لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يُغَارُ. خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.¹

نیز رسول خدا(ص) فرمود: «بوی خوش بهشت تا مسیر پیمودن پانصد سال راه، می رسد، ولی به مشام چند نفر نمی رسد، یکی از آن ها بی غیرت است.»(آ) یعنی آدم بی غیرت تا این اندازه (میلیون ها فرسخ) از بهشت دور است.

امیرمؤمنان (ع) فرمود: «من لا یغار فانه منکوس القلب؛ کسی که غیرت نوزد قلب چنین فردی واژگونه است».³

به آقایی که خانم همراهش حجاب بدی داشت گفتند خانم شما حجابش خوب نیست! گفت من ازش راضیم!

¹. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، 1404 ق، ج 100، ص 248.

². من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 281.

³. بحار، ج 79، ص 115؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 108.

وقتی آقا از آرایش کردن و بدحجابی خانمش راضی است، انتظار حجاب و عفاف از این خانم بی مورد می باشد.

در انتخابات شوراها شاهد هستیم که برخی خانمهای نامزد با آرایش غلیظ و بینی عمل کرده بنرهای تبلیغاتی خود را شبیه به مجله مد و لباس کرده اند.

بخاطر آرایش زن، شوهر عذاب می شود

در روایت است حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند: هر گاه زنی در حالی که آرایش کرده و معطر است از خانه اش خارج شود و همسرش از این عمل او خشنود باشد برای آن همسر برابر هر قدمی که آن زن برمی دارد خانه ای از آتش ساخته می شود.¹

در تاریخ و روایات آمده: حکم بن ابی العاص پدر مروان در عین آن که مسلمان شده بود، و به مدینه هجرت نموده بود،

¹. جامع الاخبار، صفحه 158

شخصی هوسباز و منحرف بود، روزی پیامبر(ص) در حجره یکی از همسرانش بود، او از درز در به داخل آن حجره نگاه کرد، پیامبر(ص) از این چشم چرانی او به قدری ناراحت شد که عصای سرکجی که نوک تیز داشت برداشت، و او را تعقیب کرد، او پابه فرار گذاشت و از دست پیامبر(ص) گریخت. پیامبر(ص) به او نرسید و فرمود: «اگر او را می گرفتم، چشمش را بیرون می آوردم.» سپس دستور داد او و فرزندش مروان را از مدینه به طائف تبعید نمودند. آنها در عصر پیامبر(ص) همچنان در تبعید به سر می بردند، بعد از رحلت پیامبر(ص) در عصر خلیفه اول و دوم نیز در تبعید بودند، تا این که آن ها در عصر خلافت عثمان به مدینه بازگشتند، و همین یکی از اعتراض های شدید مسلمانان به عثمان بود، که چرا اجازه بازگشت تبعید شدگان پیامبر(ص) به مدینه را داده است.¹

¹ الغدير، ج 8، ص 243؛ اسدالغابه، ج 2، ص 33.

و نیز روایت شده: ابراهیم در یکی از سفرها، بر اثر آلودگی محیط، همسرش را در میان صندوقی سرپوشیده نهاده بود، در مرز ایالت مصر، مأمور از او پرسید در میان این صندوق چیست؟ ابراهیم پاسخ هایی داد و سرانجام فرمود: در میان این صندوق همسر من قرار دارد. مأمور پرسید: چرا او را در میان صندوق نهاده ای؟ ابراهیم گفت: «غیرتم نسبت به ناموسم چنین اقتضاء کرد تا چشم ناپاکی به او نیفتد».¹

عصر پیامبر(ص) بود، در مدینه دو نفر به نام های هیت و مائع از افراد هوسباز بودند و همواره با گفتار زشت و خلاف عفت، مردم را می خنداندند، روزی پیامبر(ص) از نزدیک آنها عبور می کرد. شنید به یکی از مسلمانان می گفتند: «وقتی که به شهر طائف حمله کردید و آنجا را فتح نمودید، در کمین دختر غیلان ثقفی باش، او را اسیر کرده و برای خود نگهدار، او زنی چنین و چنان... است.» سخن آنها به غیرت پیامبر (ص) برخورد، به طوری که به آنها اعتراض شدید نمود و سپس

¹ اقتباس از تفسیر المیزان، ج 7، ص 241.

آنها را از مدینه به سرزمین «غرابا» تبعید کرد، آنها فقط حق داشتند در طول هفته، تنها روزهای جمعه برای خرید غذا و لوازم زندگی به مدینه بیایند¹

پیامبر(ص) در عین آن که شرکت بانوان را در امور سیاسی جایز بلکه لازم می دانست، تأکید فراوان داشت که آنها حریم عفاف را حفظ کنند، به عنوان مثال پس از فتح مکه، پیامبر(ص) مسلمانان را برای بیعت مجدد فرا خواند، و بانوان را نیز (مطابق آیه 12 سوره ممتحنه) با شرایطی به بیعت کردن امر کرد، ام حکیم از پیامبر (ص) پرسید: ما چگونه با تو بیعت کنیم؟ پیامبر (ص) فرمود: «من با زنان مصافحه نمی کنم» (دست نمی دهم) آنگاه فرمود ظرفی (مانند تشت) را حاضر نمودند، آن را پر از آب کردند، پیامبر(ص)، دستش را میان آن آب برد و بیرون آورد. سپس به زنان فرمود: دست

¹. وسائل الشیعه، ج 14، ص 109.

خود را در میان این آب داخل کنید و خارج سازید و همین بیعت شماست.¹

ازدواج عامل عفاف و پاکدامنی

در سوره مؤمنون یکی از اوصاف مؤمنین را پاک بودن از حرام جنسی ذکر کرده است.

«قد افلح المؤمنون...الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» مؤمنون 5

خداوند در انسان غریزه جنسی را قرار داده است تا نسل بشر ادامه پیدا کند. و برای رفع نیاز جنسی، ازدواج را حلال نموده و روابط خارج از ازدواج را حرام نموده است.

و در سوره مومنون آیه 5 پاکدامنی جنسی را از ویژگیهای مومن برشمرده است.

¹. وسائل الشیعه، ج 14، ص 153

یقیناً پاکدامنی باعث رستگاری و موفقیت انسان خواهد شد و از طرفی ناپاکی و آلودگی اخلاقی باعث سقوط انسان خواهد گردید بنابراین کسانی که می خواهند در پیشگاه الهی سربلند باشند باید از هرگونه فحشا و منکرات خود را دور سازند و به هیچ وجه با نامحرم دست ندهند و لذت حرام استفاده نکنند و نیازهای جنسی خود را فقط از طریق ازدواج برطرف نمایند.

ازدواج روش اهل بیت (ع) بوده و مجرد زندگی کردن بدون علت خاص مردود و مذموم بوده است.

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»¹

خداوند در آیه مذکور دستور داده که: دختران و پسران صالح را به ازدواج هم در بیاورید که اگر فقیر هم باشند

¹. نور/ 32

خداوند آنها را از فضل و کرم خود بی نیاز می نماید زیرا خداوند زیاد کننده رزق و عالم به همه اسرار و نهان می باشد. و پیامبرش فرمود:

مَا بُنِيَ فِي الْأِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأَعَزَّ مِنَ التَّرْوِيجِ؛¹

هیچ بنایی در اسلام در نزد خداوند عز و جل همانند ازدواج محبوب و عزیز نیست.

پیامبر اسلام در 25 سالگی از دواج کردند و ازدواج را سنت و روش خود می دانستند و کسانی را که عمدا و بدون علت خاصی، ازدواج نمی کردند جزو امت خود نمی دانستند.² همچنین اهل بیت (ع) نیز ازدواج را ترویج و تشویق می کردند و خود اهل ازدواج بودند. فاطمه زهرا (س) در نه

¹ بحار الانوار، ج 100، ص 222، ح 40

² مستدرک الوسائل، ابواب مقدمات نکاح، باب 1، حدیث 15.

سالگی با علی(ع) که در سن 22 سالگی بودند، ازدواج کردند و فرزندانی دنیا آوردند که جهان را به نور خود روشن نمودند. حسن(ع) و حسین، زینب و ام کلثوم.

اهل بیت(ع) با مجرد زندگی کردن انسان ها مخالف بودند و گاهی افرادی که نزد اهل بیت(ع) می آمدند و اجازه می خواستند که مجرد بمانند اهل بیت(ع) اجازه نمی دادند.

امام رضا علیه السلام فرمود: زنی به امام باقر علیه السلام گفت: من متبتله هستم! حضرت فرمود: در نزد تو تبثل به چه معنی است؟ گفت: یعنی تصمیم دارم که هیچگاه ازدواج نکنم. امام فرمود: چرا؟ گفت: می خواهم به این وسیله دارای فضیلت بشوم. امام فرمود: از این تصمیم برگرد! زیرا اگر در ازدواج نکردن فضیلتی بود، حضرت فاطمه علیها السلام هم قبل از تو این کار را می کرد! زیرا هیچکس نمی تواند در فضیلتی از فاطمه علیها السلام پیشی بگیرد.¹

¹. معارف قرآن و اهل بیت (ع)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: بدترین مردان شما،
عزبانند (مجردان) !^۱

امام محمد باقر علیه السلام: دوست ندارم که دنیا و آنچه
در دنیاست داشته باشم ولی یکشب بی همسر بخوابم.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله: دو رکعت نماز ازدواج کرده
برتر است از هفتاد رکعت نماز فرد مجرد!^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسی که ازدواج کرده و
خواب است در نزد خدا از مجردی که روزه بوده و شبها به
عبادت مشغول است، برتر است.^۴

امام رضا علیه السلام: از سفره عروسی بوی بهشت
استشمام می شود.^۱

^۱. همان

^۲. همان

^۳. همان

^۴. همان

ترک ازدواج

عده‌ای از افراد فقط بدنبال آزادی جنسی می‌باشند و ازدواج باعث مقیدشدن آنان می‌گردد، لذا این عده بخاطر محدود نشدنشان از ازدواج خودداری می‌کنند، با اینکه برخلاف اکثر دختران و پسران ایرانی که به خاطر مشکلات اقتصادی نمی‌توانند ازدواج نمایند، عده مذکور از امکانات مادی بالا هم برخوردار می‌باشند ولی چون تابع تمدن غرب هستند و در غرب هم بسیاری از مردان و زنان بدون ازدواج زندگی می‌کنند و نیازهای جنسی خود را بدون ازدواج ارضا می‌نمایند، این افراد هم می‌خواهند از الگوهای منحرف خود تبعیت کرده لذا ازدواج نمی‌کنند و با ارتباطات نامشروع هم خود و هم دیگران را به انحراف می‌کشانند.

پایان

منابع

1. اصول کافی - شیخ کلینی
2. میزان الحکمه - محمدی ری شهری
3. ارزش حجاب و عفاف - صرفی پور
4. من لایحضره الفقیه - شیخ صدوق
5. سید علی قاضی و شاگردانش - صرفی پور
6. بحار الانوار - علامه مجلسی
7. خصال - شیخ صدوق
8. المیزان - علامه طباطبائی
9. مساله حجاب - شهید مطهری
10. رساله توضیح المسائل ایه الله مکارم شیرازی (فارسی).
11. کشف الغمه - ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی.
12. احتجاج طبرسی - شیخ طبرسی
13. عیون أخبار الرضا - شیخ صدوق
14. برداشت هایی از سیره امام خمینی قدس سره
15. عطر عفاف، ناهید طیبی، با همکاری واحد پاسخ به
سؤالات

16. مروارید عفاف - محمد اکبری
17. معراج السعاده - ملا احمد نراقی
18. لسان العرب - ابن منظور
19. فرهنگ عمید - حسن عمید
20. جامع الاخبار - محمد بن محمد [شعیری]
21. الغدير - علامه امینی
22. اسدالغابه - ابن اثیر
23. وسائل الشيعه - شیخ حر عاملی
24. مستدرک الوسائل - محدث نوری
25. <http://rasekhoon.net/article/show/184798>
26. <http://www.beytoote.com/art/city-country/apparel-people1>
27. <http://www.bata.ir>
28. <http://www.mehr>
29. news.com/news/3711072
30. <http://article.tebyan.net/289945>
31. <http://naye-ney-hijab.blogfa.com>